



مقاله پژوهشی

مديريت بحران در سيرة امام رضا (عليه السلام)

(مطالعه موردی: ماجرای ولایت عهدی)

دریافت: ۱۴۰۰/۹/۶ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲

شهاب الدین و حیددی مهر جردی^۱، محمدصادق آب پیکر^۲

چکیده

مدیر موفق کسی است که در مواجهه با بحران، از موقعیت‌ها بهترین و سریع‌ترین بهره را ببرد. یک مدیر بحران راه حل معقولی برای برطرف کردن شرایط غیرعادی در بازگشت به منافع و ارزش‌های اساسی تأمین می‌کند. این شرایط غیرعادی معمولاً با نشانه‌هایی مثل تهدید بودن برای ماهیت وجودی و کلیت سازمان، غافلگیرکننده بودن، نیاز به تصمیم فوری و تغییر شناخته می‌شود. پژوهشگران در زمینه‌های مختلف مدیریتی دست به مطالعه رفتارهای مدیریتی عام و خاص مدیران الهی زده‌اند تا اصول مدیریتی در قالب ارزش‌های اسلامی را کشف کنند. این مقاله به روش توصیفی تحلیلی و با رویکرد کیفی پدیدارشناسی و استفاده از روش تحلیل هرمنوتیک در مطالعه متون انجام شده است. این پژوهش، پاسخی است به چگونگی مدیریت بحران در سیره امام رضا (عليه السلام) در ماجرای ولایت‌عهدی ایشان که مأمون عباسی پیشنهاد کرد. در وهله اول مولفه‌های اصلی و مهم و مرتبط آن دوران را بررسی می‌شود. همچنین مولفه‌های فرصت‌گون و تهدیدآفرین در قالب مولفه‌های زمینه‌ای و حکومتی مطالعه می‌شود. سپس با سیره امام به بررسی اقدامات امام رضا (عليه السلام) در مدیریت این بحران، چه مربوط به پیش از بحران برای پیشگیری یا برای آمادگی، چه حین بحران و چه مربوط به مدیریت دوران بعد از بحران پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: امام رضا (عليه السلام)، سیره رضوی، مدیریت بحران، ولایت‌عهدی.

۱. دانشیار گروه فلسفه و کلام دانشگاه مبد (نویسنده مسئول): vahidi@meybod.ac.ir
۲. دانشجوی دکترای مدیریت، دانشگاه شهید بهشتی: sta.abpeykar@meybod.ac.ir

۱. طرح مسئله

در تقسیم‌بندی سنتی، بحران‌های جوامع بشری به دو نوع «بحران طبیعی» و «بحران انسان‌ساخت» تقسیم می‌شود. آنچه در این میان اهمیت شایان توجهی دارد، تشکیل مدیریتی توانمند است که با به‌کارگیری شیوه‌های صحیح و مناسب، با کنترل وضعیت بحرانی، تا حد زیادی میزان خسارت‌ها را کاهش دهد و در کوتاه‌ترین زمان ممکن، جریان امور را به حالت قبل از بحران برگرداند.

ائمه شیعه (علیهم‌السلام) به‌عنوان جانشینان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، هدایت و راهبری همهٔ مردم به‌ویژه شیعیان را برعهده داشتند؛ این راهنمایی مشتمل بر حوزه‌های دینی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بوده است. در زیارت جامعهٔ کبیره، علاوه بر وصف ائمه (علیهم‌السلام) به «حاملان کتاب خدا» و «اوصیای پیامبر»، با تعبیری چون «پیشوایان خلق»، «رهبران شایسته» و «سیاست‌مداران و فرمانروایان تدبیرگر بر تمامی بندگان» نیز توصیف شده‌اند (مجلسی، ۱۳۹۶، ج ۹۳: ۹۹) که نشانگر ابعاد مختلف رهبری ایشان در جامعه اسلامی است. امامان معصوم (علیهم‌السلام) از جمله امام رضا (علیه‌السلام) در طول زندگی خود، بحران‌هایی را سپری کرده‌اند که پیدایی آن، گاه از ناحیهٔ مخالفان و گاه از سوی برخی شیعیان بوده است. مدیریت بحران در سیرهٔ امام رضا (علیه‌السلام) در زمینهٔ ولایت‌عهدی تبلور ویژه‌ای دارد. ایشان و شیعیان از لحاظ اقتصادی در وضع نامطلوبی به سر می‌بردند. این وضعیت بحرانی سبب شد مدیریت ویژه‌ای از این امام همام (علیه‌السلام) بروز یابد.

ستیز حق و باطل از ابتدا تا انتهای موجودیت انسان وجود خواهد داشت و پیروز این ستیز مطابق وعدهٔ الهی حق و حقیقت است. انسان برای اینکه در طرف حق قرار بگیرد، به تفکر قدرتمند و فعال نیاز دارد تا اسیر و بازی‌خورده فتنه‌ها و بحران‌ها نشود. اسلام با تکیه بر عقلانیت، پیروی و الگوگیری از رسول خدا و اولیای الهی را که جانشینان او بر زمین هستند، برای مقابله با گمراهی به انسان سفارش می‌کند. اوصیای الهی در سراسر عمر خود کوشیدند تا در قول و عمل به‌عنوان نمونهٔ عینی و شاهد کامل الهی ظاهر شوند. زندگی آن‌ها سرشار از آموزه‌ها و درس‌هایی است که می‌تواند راهنمای عمل هر یک از

افراد و جوامع بشری باشد. هر کسی که بخواهد در مسیر کمالی قرارگیرد و زندگی فردی و اجتماعی خود را چنان بسازد که احساس خوشبختی کند و هرگونه اندوهی از گذشته و ترسی از آینده خویش را بزدايد، باید با مراجعه به سیره آن بزرگواران، زندگی خود را در این حالت قرار دهد.

این مقاله تحقیقی است در پاسخ به این سوال که اقدامات امام رضا (علیه السلام) در مدیریت بحران این سلسله عوامل و تنش‌ها چه بوده است؟ به این منظور، مدیریت بحران در سیره امام رضا (علیه السلام) در ماجرای ولایت‌عهدی را بررسی می‌کنیم و می‌توان مولفه‌های دخیل در بحران مد نظر را در دو دسته زمینه‌ای و حکومتی طبقه‌بندی کرد. در این میان، مولفه‌هایی هستند که مثبت می‌نمایند و می‌توانند برای امام به‌عنوان فرصت بهره‌برداری باشند، و می‌توان به عواملی چون: اقامه نماز عید توسط امام رضا (علیه السلام)، دعای باران حضرت و نتیجه مناظرات علمی و ادیانی امام رضا (علیه السلام) اشاره کرد.

حضرت علی بن موسی (علیه السلام)، هشتمین امام شیعیان در ۱۱ ذی القعدة سال ۱۴۸ قمری دیده به دنیا گشود. حدود ۲۰ سال از زندگی حضرت در دوران حکومت هارون الرشید گذشت که به گواه تاریخ، شیعیان را در تنگنا قرار داده بود و پدر بزرگوار امام هشتم، حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) را مدت‌ها در زندان تحت کنترل داشت و سال ۱۸۳ قمری در زندان به شهادت برسد. با مرگ هارون عباسی در سال ۱۹۳ قمری پسرش امین خلیفه عباسیان شد و ۵ سال از عمر مبارک امامت حضرت رضا (علیه السلام) در این دوران و در مدینه گذشت (طبرسی، ۱۳۷۳، ج ۲: ۴۱-۴۲). مامون با قتل برادرش امین، جامه خلافت پوشید و دو یا سه سال بعد با مشاهده پیچیدگی شرایط پیش روی خود دست به اقدامی هوشمندانه و جسورانه زد. مامون سال ۲۰۰ یا ۲۰۱ قمری در حالی که ۱۷ سال از امامت امام رضا (علیه السلام) در مدینه گذشته بود، وی را از مدینه به مرو برد و ایشان را به‌عنوان ولیعهد خود معرفی کرد (کلینی، ۱۳۹۱، ج ۸: ۱۵۱). حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) سال ۲۰۳ هجری قمری با زهر کین مامون به شهادت رسید.

۱-۱. بحران چیست؟

پاراسکواس معتقد است که کلمه «بحران» از واژه یونانی «krisis» می‌آید که ترجمه انگلیسی آن انتخاب یا تصمیم‌گیری است. اگر در این واژه این نکته در نظر گرفته شده باشد که برای یک وضعیت خاص، بهترین راه حل به‌عنوان تصمیم و انتخاب وجود ندارد، مصالحه‌ای میان بررسی و اقدام پیش می‌آید (Paraskevas, 2006:65). از این جهت، برنامه‌های استراتژیک بسیار مفید هستند؛ مدیریت فرایند باید برنامه‌ریزی شده و ساختاریافته باشد (Cutlip Et al, 2006:327). یک بحران، وضعیتی غیرطبیعی است که رویداد، مانع یا مسئله‌ای فوق‌العاده خطرناک را برای کسب‌وکار نشان می‌دهد و تنها مدیریت دقیق می‌تواند از پیشرفت آن جلوگیری کند. مفهوم اصلی کلمه «بحران»، وضعیتی است که در آن لازم است تصمیمات مهم در زمان کوتاه گرفته شود (Turner & Pedgeon, 1997:90).

بحران را يك لحظه اثرگذار و مهم یا مقطع حیاتی و نقطه عطفی برای بهتر یا بدتر شدن اوضاع نیز تعریف کرده‌اند. پس در مواجهه با آن نمی‌توان از اینکه وضعیت مذکور نوعی محدودیت (تهدید) محسوب می‌شود یا يك موقعیت (فرصت) مطمئن بود (سوری، ۱۳۹۴: ۹۸). سوری به نقل از مك کارتی، مطرح می‌کند اصل مدیریت بحران، راه حلی معقول برای برطرف کردن شرایط غیرعادی است، به‌گونه‌ای که منافع و ارزش‌های اساسی، تأمین شود (همان: ۹۹). علمداری نیز پنج شاخص را برای مدیریت بحران معرفی می‌کند: یکپارچه‌سازی (ولایت‌مداری)؛ شاخص هماهنگی و هدایت‌گری؛ شاخص هدف‌محوری؛ شاخص شفافیت؛ شاخص آینده‌نگری؛ شاخص واقعیت‌گرایی (علمداری، ۱۳۸۷: ۱۲-۱۳).

بحران‌ها در انواع مختلفی دسته‌بندی می‌شوند از قبیل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی، قومی و... بروز و ظهور می‌کنند (قائدی، ۱۳۸۲: ۳۲۰). بحران‌های اجتماعی می‌توانند جنبه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی داشته باشند. بحران‌های سیاسی مربوط به اصول و کلیات حاکمیتی است و خطرات آن حاکمیت را نشانه می‌رود

و «بحران‌های اجتماعی خطرهایی هستند که تعادل امنیت و سلامت اجتماعی را به‌طور جدی تهدید می‌کنند، اما هم ماهیت و هم منشأ اجتماعی دارند و به‌صورت تعارض‌های اجتماعی، ناآرامی، فشارهای بر هم‌زننده سیاسی، شورش‌ها و اعتصاب‌های بی‌مهار برای درخواست‌های سیاسی و همانند آن ظاهر می‌شوند» (سوری، ۱۳۹۴: ۹۹).

۲-۱. تبیین مفاهیم: مسئله، ریسک، بحران و فاجعه

هنگام تعریف بحران لازم است متوجه تفاوت آن با مفاهیم مشابهی مثل مسئله، ریسک و فاجعه نیز باشیم. چیس، تعریف کلیدی خود از مسئله را به این شکل ارائه می‌کند که مسئله موضوعی ناخوشایند است که آماده تصمیم‌گیری است (Chase, 1984:38). در سالیان بعد از آن، مسئله به روش‌های مختلف تعریف و دسته‌بندی شده است. با وجود این، پذیرش منطقی و گسترده‌ای از یک مسئله به‌عنوان یک وضعیت یا رویداد داخلی یا خارجی در سازمان وجود دارد که اگر در آن ادامه یابد، تأثیر قابل توجهی بر کارکرد و عملکرد سازمان یا آینده منافع آن خواهد داشت (Regester & Larkin, 2002:42). در واقع، بحران‌ها در ابتدا از مسائل شروع می‌شوند و مشکلاتی (در داخل یا خارج از سازمان) بوده‌اند که به‌طور خاص توسط مدیران کم‌اهمیت قلمداد شده است. بر اساس نظر پیرسون و کلیر، یک بحران سازمانی رویدادی کم‌احتمال و پرتأثیر است که زندگی سازمان را تهدید می‌کند و با ابهام در علت، معلول و راه حل‌ها و همچنین با شکل‌گیری اعتقاد بر این که تصمیم‌گیری باید سریع‌تر انجام شود، شناخته می‌شود (Pearson & Clair, 1998:60).

از جهتی، مفهوم ریسک نیز بر نبود اطمینان پذیرفته‌شده‌ای اشاره دارد که نیاز داریم تحت آن شرایط به بهترین عملکرد برسیم و مدیریت ریسک شامل ارزیابی تهدیدات بالقوه و یافتن بهترین راه برای جلوگیری از این تهدیدات است. این در حالی است که مدیریت بحران شامل برخورد با تهدیدات قبل، حین و پس از آن است. در واقع، مدیریت بحران یک رشته گسترده‌تر در زمینه مدیریت است که متشکل از مهارت‌ها و تکنیک‌های مورد نیاز برای شناسایی، ارزیابی، درک و مقابله با یک وضعیت جدی است، به‌ویژه از لحظه رخداد

اتفاق تا مرحله شروع فرایند بازیابی (James, 2007: 78). فراتر از بحران، از منظر آسیب و فرصت اقدام، مفهوم فاجعه مطرح می‌شود. یک فاجعه، یک بحران در معنای سنتی آن نیست؛ در یک فاجعه، فرایندهای مدیریتی که باید حفظ شود و مشکلات مدیریتی که باید در شرایط فنی فوق اضطراری دارای تهدیدات جانی برطرف شود، مورد بحث قرار می‌گیرد (Turner & Pedgeon, 1997: 105).

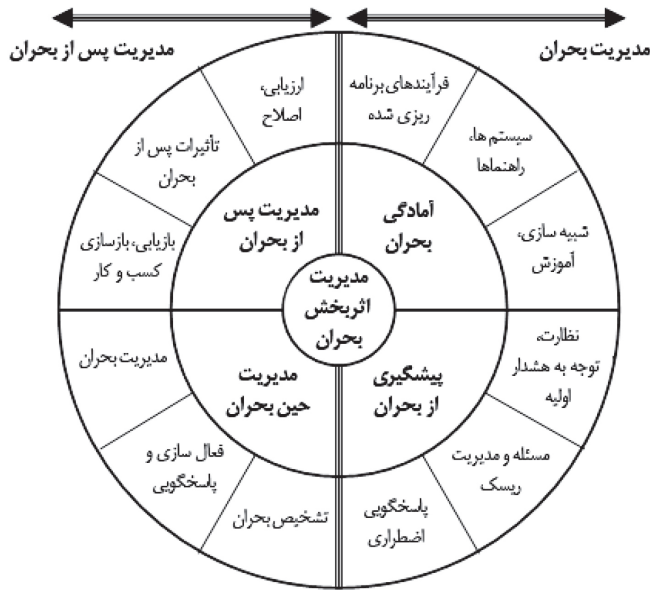
۱-۳. شاخص‌های بحران

جنور جی با بررسی ادبیات موضوع، بحران را دارای مشخصه‌های خاصی می‌داند: پیامد زیاد، احتمال کم، همراه با خطر و نبود اطمینان، تحت فشار زمان، اختلال‌گری در شرایط عادی و به‌طور بالقوه از بین برنده شهرت (Geogy, 2005: 313). مک مولان معیارهای بحران را بررسی و تلاش کرده است تا شکاف دانشی آن را برطرف کند. او معانی مختلفی را که توسط نویسندگان در حوزه مدیریت بحران پیشنهاد شده است، بررسی کرد و نتیجه گرفت که تعریف جهانی پذیرفته شده‌ای برای در برگرفتن بحران به‌صورت جامع وجود ندارد (McMullan, 1997: 96). دارلینگ اشاره می‌کند آنچه که بحران را در تجارت بین‌الملل تعریف می‌کند، به تعدادی متغیر بستگی دارد: ماهیت رویداد، اهمیت موضوع برای دولت‌های خارجی و محلی، تاثیر بر سایر بنگاه‌ها، صنایع و غیره (Darling, 1994: 27). از نظر سیگر و همکارانش سه عنصر اصلی برای یک بحران شناخته می‌شود: الف. تهدیدی برای سازمان باشد، ب. غافلگیر کننده باشد و ج. نیازمند تصمیم‌گیری کوتاه‌مدت باشد (Seeger Et al, 1998: 85). عنصر چهارمی را نیز می‌توان با اقتباس از نظر ونت اضافه کرد. وی استدلال می‌کند که بحران روند تحولی است که طی آن سیستم قدیم دیگر نمی‌تواند باقی بماند؛ بنابراین، عنصر چهارم بحران نیازمندی به تغییر است. اگر تغییر لازم نیست، واژه‌های شکست یا حادثه، توصیف‌گرهای بهتری برای آن رویداد هستند (Vanette, 2003: 205).

۱-۳-۱. مدیریت بحران

مطالعه مدیریت بحران در دهه ۱۹۸۰ با فاجعه صنعتی و زیست محیطی در مقیاس بزرگ آغاز شد (Shrivastava et al, 1992: 114). مفهوم مدیریت بحران طی سال‌های گذشته شاهد تحولاتی بوده است. مراحل اولیه این تحول شامل مدل بحران شش مرحله‌ای لیتل جان (طراحی ساختار، انتخاب تیم بحران، آموزش تیم، بررسی وضعیت بحران، طرح احتمالی، مدیریت بحران) (Littlejohn, 1982: 13)؛ مدل چهار مرحله‌ای فینک و استیون (مقدماتی، حاد، مزمین، قطعنامه‌ای) (Fink & Steven, 1986: 21-25) و برنامه‌ریزی هشت مرحله‌ای کالج برنامه‌ریزی اضطراری (جهت‌گیری، جمع‌آوری اطلاعات، نوشتن طرح، مشاوره، انتشار، اعتبارسنجی آموزش، تایید یا تجدید نظر) (Harrison, 1999: 21).

باندی معتقد است که مدیریت بحران فرایندی است که در آن یک سازمان با یک رویداد مخرب و غیرمنتظره روبه‌رو می‌شود و این رویداد کلیت سازمان، ذی‌نفعان یا عموم مردم را تهدید می‌کند (Bundy Et al, 2016: 1661). همچنین آشکرافت و لیندا بیان می‌کنند که مدیریت موثر اطلاعات برای سازمان‌ها بسیار مهم است. این به دلیل جریان اطلاعات ضروری است که باید به ذی‌نفعان مربوطه در شرایط بحران داده شود (325: Ashcroft & Linda, 1997). پنروز دیدگاه جامعی از مدیریت بحران به‌عنوان یک فرایند پیشنهاد کرد: در گذشته، اقدامات قبل و بعد از بحران به‌عنوان یک فرایند و فعالیت واحد در نظر گرفته نشده است، در حالی که این فعالیت‌ها با هم یک خوشه را تشکیل می‌دهند و باید در مجموع به جای مجموعه‌ای از فعالیت‌های جداگانه مورد توجه قرار گیرند (155: Penrose, 2000). سوری، مدیریت بحران را مجموعه اقداماتی بیان می‌کند که قبل، حین و بعد از وقوع بحران برای جلوگیری از ایجاد بحران، جست‌وجوی دقیق و اندیشمندانه بحران و کنترل و خاتمه آن در راستای تأمین منافع ملی و همچنین کاهش هرچه بیشتر آثار و عوارض آن انجام می‌گیرد. شکل (۱) مدلی جامع از مدیریت اثربخش بحران را نشان می‌دهد که مجموعه اقدامات از قبل تا بعد از بحران را در بر می‌گیرد (سوری، ۱۳۹۴: ۹۸).



شکل (۱) مدل جامع رابطه‌ای مدیریت بحران (Jaques, 2007)

۱-۳-۱-۱. پیشینه تحقیق

مطالعه سیره مدیریتی اولیا و معصومین (علیهم‌السلام)، با عنوان مسأله‌های الگویی علم و در طول آموزه‌های مدیریتی قرآن کریم مورد توجه مدیریت اسلامی قرار بوده است (کارگروه بنیادین مدیریت اسلامی، ۱۳۹۵: ۹۳-۹۷). برخی محققان و پژوهشگران اسلامی با توجه به اهمیت موضوع بحران و چگونگی مواجهه و کنترل آن مخصوصاً در دوران امامت امامان (علیهم‌السلام) در زمینه‌های مختلف مدیریتی دست به مطالعه رفتارهای مدیریتی عام و خاص مدیران الهی زده‌اند که در اینجا با توجه به موضوع پژوهش به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. یکی از دوران مهم و بحرانی در حاکمیت اسلامی، دوره حکومت امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) بوده که دشتی (۱۳۸۰) در باب مدیریت بحران حضرت علی (علیه‌السلام) پژوهشی انجام داده و طی آن ابتدا انواع بحران‌های دوران حکومت ایشان را معرفی، سپس بحران‌سازها را فهرست کرده و به بررسی اقدامات مدیریتی آن حضرت پرداخته است. نقی پورفر و ابروش (۱۳۹۳) نیز

به طور خاص به بحران جنگ جمل و مدیریت حضرت در این مورد خاص پرداخته‌اند و ضمن بیان مولفه‌های پژوهش، اقدامات مدیریتی حضرت را در مدیریت بحران جمل در سه دسته پیش از بحران، حین بحران و پس از بحران مطالعه قرار کرده‌اند. ستوده نیا و جانی پور (۱۳۹۱) نیز الگوی مدیریت بحران‌های سیاسی اجتماعی را از منظر امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) با روش تحلیل محتوای پیام‌ها و نامه‌ها و خطابه‌های حضرت، ضمن بحران‌های دوران ایشان، بررسی کرده‌اند. دوران مهم دیگری که به‌طور ویژه به آن توجه شده مربوط به بحران بزرگی است که بزرگ‌ترین تأثیرات را در عالم اسلام و حتی غیراسلام گذاشته و می‌گذارد و آن واقعه عاشوراست. واقعه عاشورا از جوانب مختلف مدیریتی مطالعه و علاوه بر مدیریت حضرت سیدالشهدا، از حیث مدیریت بحران، مدیریت حضرت سجاد (علیه السلام) و حضرت زینب کبری (علیها السلام) نیز پژوهش شده است. نقی پور فر و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای، علاوه بر روش‌شناسی مورد استفاده در بررسی مدیریت بحران جمل در سیره امیرالمؤمنین (علیه السلام)، جنبه‌های شخصیتی حضرت زینب (علیها السلام) را نیز به‌عنوان ویژگی‌های شخصیتی مدیر بحران بررسی کرده‌اند.

مسئله ولایت عهدی امام رضا (علیه السلام) اگرچه از منظر مدیریت بحران مطالعه نشده، اما از مسائل قابل توجه برای علما و پژوهشگران اسلامی و همچنین تاریخ‌نگاران بوده است. چنان‌که شهید مطهری در کتاب سیری در سیره ائمه اطهار (علیهم السلام) در بخشی، این موضوع را عامل ایجاد شبهات گوناگون معرفی می‌کند و به شبهات آن با دیالکتیک‌های منطقی و بی‌طرفانه پاسخ می‌دهد (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۷۶-۲۰۴). همچنین روحانی، در مقاله‌ای این مسئله و فرضیات را مطرح و پاسخ‌ها را بررسی کرده است. حسینی جلالی و فهیمی نژاد (۱۳۹۲) به‌صورت طبقه‌بندی شده، به شاخصه‌های اصلی عصر امام رضا (علیه السلام) و اهداف حضرت رضا (علیه السلام) و مامون اشاره و موضع‌گیری‌های امام را در این زمینه بیان می‌کنند. یوسفی و خان محمدی (۱۳۹۳) به سیره ارتباطی امام رضا (علیه السلام) توجه کرده و در ظرف تئوری‌های مدیریت ارتباطات و رسانه، از زمان شروع سفر از مدینه النبی به مطالعه آن پرداخته‌اند؛ بنابراین درباره نوآوری این تحقیق با توجه به تحقیقاتی که در پیشینه به آن اشاره شد، می‌توان گفت در موضوع این پژوهش تاکنون تحقیقی انجام نشده است.

این تحقیق در باب نحوه و اقدامات امام رضا (علیه السلام) در مدیریت به روز و شکل گیری عوامل و تنش‌ها در هر عصری و ارائه راهکارها می‌تواند الگویی برای مدیریت چنین بحران‌هایی باشد.

۲. بررسی ابعاد ماجرای ولایت‌عهدی امام رضا (علیه السلام)

عواملی که ماجرای ولایت‌عهدی امام رضا (علیه السلام) را در دامنه تعریفی بحران قرار می‌دهد، در دو طیف قابل بررسی است: عوامل زمینه‌ای و عوامل حکومتی؛ عوامل زمینه‌ای دربرگیرنده مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی معاصر است که هم می‌تواند زمینه‌های بحران را فراهم آورد و هم آتش بحران را شعله‌ورتر سازد. از جهتی دیگر در مدیریت بحران نقش کمک‌کننده داشته باشد. همچنین عوامل حکومتی دربرگیرنده اقدامات دستگاه خلافت صرفاً در زمینه پدیده مورد مطالعه، یعنی ماجرای ولایت‌عهدی است.

۲-۱. عوامل زمینه‌ای مرتبط با ولایت‌عهدی امام رضا (علیه السلام)

مامون زمانی به حکومت رسید که موقعیتی متزلزل داشت. وی از بغداد، مرکز حکومت عباسی به دلیل قتل برادرش امین، خلیفه منصوب عباسیان، مورد مواخذه بود. درگیری و جنگ وی با برادرش نیز موجب ضعف حکومت عباسیان شده بود (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۰). دربار عباسی، پس از سال‌ها رشد و توسعه، همچنین علاوه بر این، احتمالاً به علت رو شدن چهره دروغین و ستمگر و ناکارآمد، دچار ضعف و شکاف عمیقی شده بود. (حسینی جلالی و فهیمی نژاد، ۱۳۹۲: ۶۴). علویان نیز از این موقعیت استفاده کرده و بر بعضی از شهرها مسلط شده بودند و کشور اسلامی تقریباً از کوفه تا یمن، دچار اغتشاش بود. سال ۱۹۹ هجری محمد بن ابراهیم طباطبایا علوی تبار با کمک ابوالسرایا دست به قیام زد و جمعی از علویان نیز در عراق و حجاز قیام‌هایی به پا کرده بودند. هر لحظه ممکن بود ایرانیان نیز به یاری علویان بپیوندند و دست به قیامی وسیع بزنند. چنانچه عباسیان برای

سرنگونی بنی امیه از علاقه ایرانیان و سایر مسلمانان در بلاد اسلامی به خاندان پیامبر و همچنین از نارضایتی متراکم از آن‌ها استفاده کرده بودند (حسینی عاملی، ۱۳۶۵: ۲۰).

امام رضا (علیه السلام) پیش از سفر به مرو در مدینه محبوبیت و مقبولیت فراوانی در میان مردم داشت. امام در گفت‌وگویی با مأمون درباره ولایت‌عهدی در توصیف این دوره می‌گوید: ولایت‌عهدی حقیقتاً هیچ امتیازی را بر من نیفزود. فرمان من آن‌گاه که در مدینه بودم، در شرق و غرب نفوذ می‌کرد و وقتی سوار بر مرکب، از کوچه‌های مدینه می‌گذشتم کسی عزیزتر از من نبود (پیشوایی، ۱۳۶۵: ۴۹۸). پس از ولیعهد شدن نیز دیگر تنها پیشوای شیعیان نبود، بلکه اهل سنت، زیدیه و دیگر فرقه‌های متخاصم شیعه، همه بر امامت و رهبری وی اتفاق کردند (حسینی عاملی، ۱۳۶۵: ۲۱۱)، اما مطابق آنچه روحانی به نقل از شهید مطهری مطرح می‌کند این وضعیت از ری به آن طرف، یعنی عراق که قبلاً دارالخلافت بود، حجاز، یمن، مصر و سوریه متفاوت بوده است. تمایلات آن‌ها با مردم ایران متفاوت و در واقع در ضدیت بود. حضرت رضا (علیه السلام) در خراسان حتی اگر خلیفه هم می‌بود، بغداد در مقابلش می‌ایستاد، چنان‌که بغداد پس از شنیدن خبر ولایت‌عهدی ایشان با حکم مأمون فوری نماینده مأمون را عزل کرد (روحانی، ۱۳۸۵: ۷۸) ضمن اینکه پس از وفات امام موسی کاظم (علیه السلام) بین شیعیان امامیه شکاف به وجود آمد و گروهی از بزرگان طایفه واقفیه ولایت و امامت امام رضا (علیه السلام) را نپذیرفتند (حسینی جلالی و فهیمی نژاد، ۱۳۹۲: ۶۵).

شخص مأمون نیز که خلیفه هم‌عصر حضرت علی بن موسی (علیه السلام) و سازنده فتنه ولایت‌عهدی بود، مطابق نظر شهید مطهری (۱۳۸۴: ۱۷۷-۱۷۸) بسیار روشنفکر بوده و خدمات شایانی به اسلام کرده است و یکی از دانشمندترین خلفای عباسی به حساب می‌آید. اینکه عصر امام رضا (علیه السلام) به شکوفایی علمی، درخشش فرهنگی، رفع تشنج سیاسی و آزادی عقیدتی برای فرقه‌گرایان و اندیشمندان ادیان مختلف آوازه دارد نیز از معلول‌های همین امر است. هارون الرشید نیز البته تا حدی این چنین بوده است، اما در برابر هرگونه احساس تزلزلی در قدرت دست به هر جنایتی می‌زدند. شهید مطهری لقب «شیعه امام‌گش» را به آن‌ها می‌دهد. چنان‌که مردم کوفه، اهل بیت (علیهم السلام) را دوست

داشتند ولی هم علی (علیه السلام) را و هم فرزندش حسین (علیه السلام) را به آن شکل غریبانه به شهادت رساندند. در واقع امام رضا (علیه السلام) با دستگاهی روبه‌روست که تمایلات شیعی دارد و این تمایلاتش را برای محکم کردن قدرتش در ایران فریاد هم می‌زند، اما حکومت را از هارون الرشید به ارث برده است.

۲-۲. عوامل حکومتی مرتبط با ولایت عهدی امام رضا (علیه السلام)

برای بررسی عوامل حکومتی بحران آفرین، اقداماتی از دستگاه خلافت را مطالعه می‌کنیم که آگاهانه و به‌منظور ساخت و کسب منفعت از بحران صورت گرفته است. مشخص است برای کسی که در زندگی سیاسی خود، برادر خود را به قتل می‌رساند و در زندگی خصوصی خود از فسق و فجور ابا ندارد، واگذاری خلافت یا ولایت عهدی به امام رضا (علیه السلام) فقط یک حرکت فتنه‌انگیز و حساب‌شده سیاسی بوده است (حسینی عاملی، ۱۳۶۵: ۲۱۳-۲۱۴). همان ابتدا این مسئله مشخص است که مأمون در این زمان جوانی کمتر از ۳۰ سال و حضرت رضا (علیه السلام) سن‌شان حدود ۵۰ سال است (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۸۳).

مأمون پس از دعوت اجباری از امام (علیه السلام)، مسیر مشخصی را برای سفر ایشان به مرو برگزید تا حضرت از مناطق شیعه‌نشین کمتری عبور کند. او به‌عمد دستور داد که حضرت را از مسیر کوفه نیاورند، بلکه از مسیر شهرهای بصره و خوزستان و فارس به نیشابور بیاورند؛ زیرا از اجتماع شیعیان بر گرد امام هراس داشت. مأمون احضار امام را (بنا به اکثر نقل‌ها) بدون مشورت امام و جلب نظر قبلی ایشان و بدون این که اصلاً موضوع روشن باشد انجام داد تا وی را در مرو در عمل انجام‌شده قرار بدهد و به‌زعم خود از اقدامات پیش‌گیرانه امام جلوگیری کند (همان: ۱۸۵-۱۸۷).

پس از آنکه مأمون، موضوع را با امام در میان گذاشت، حضرت به‌شدت ابا کرد. مأمون ابتدا خود خلافت را به حضرت رضا (علیه السلام) پیشنهاد داد که امام نپذیرفت. سپس این چنین ابراز کرد که به دلیل نپذیرفتن پیشنهاد اول ناچار باید ولایت عهدی ام را قبول نمایم. در مرحله بعد مأمون، فضل بن سهل و حسن بن سهل را نزد حضرت رضا (علیه السلام) فرستاد و

حضرت مجدد امتناع کرد. فرستادگان به امام گفتند اختیاری نیست، اگر امتناع کنی، مأموریت داریم گردنت را بزنیم، ولی باز هم حضرت قبول نکرد و آن‌ها را بازگرداند. دیگر بار مأمون خود با حضرت با استدلالی خاص مذاکره کرد و گفت: عمر بن خطاب برای خلافت بعد از خود شورایی شش نفره با عضویت جدّتان علی بن ابیطالب تشکیل و دستور داد هر یک از آنان به مخالفت برخاست گردن او را بزنند. سپس به امام رضا (علیه السلام) گفت اینک چاره‌ای جز قبول آنچه اراده کرده‌ام نداری، چون راه دیگری نمی‌یابم. مأمون با این بیان در واقع تلویحا امام را به مرگ تهدید کرد و امام به ناچار با اکراه و اجبار، ولایت‌عهدی را با بیان شرایطی پذیرفت (انصاری، ۱۳۸۶: ۹).

مطهری بنا به نقل تاریخی بیان می‌کند که لقب رضا را نیز مأمون روز انتصاب ایشان (روز دوشنبه هفتم رمضان سال ۲۰۱ ق.) به ولایت‌عهدی خود برای حضرت علی بن موسی (علیه السلام) گذاشته است. وی می‌خواست خاطره ۹۰ ساله ایرانی‌ها را که با عنوان «الرضا من آل محمد» یا «الرضی من آل محمد» قیام کردند، زنده کند و به آن‌ها نشان بدهد که احیاکننده خواست‌های آن‌هاست (مطهری ۱۳۸۴: ۱۸۲). علاوه بر این اقدام زیرکانه مأمون در آن روز پس از بیعت با امام رضا (علیه السلام) به عنوان ولیعهد پس از خود از مردم خواست به جای لباس سیاه، سبزه پوش بشوند و فرمان آن را به اطراف و نواحی نیز نوشت و برای امام رضا (علیه السلام) بیعت گرفت و به نام رضا (علیه السلام) خطبه خواندند و دینار و درهم نیز به نامش سکه زدند و همه لباس سبز پوشیدند (یعقوبی: ۴۴۸) تا هر چه بیشتر علویان را همراه خود کند.

مأمون از ارتباط امام با عموم مردم و حتی دوستان امام (علیه السلام) تا حد امکان جلوگیری می‌کرد و برای خانه امام نیز نگهبان و مراقبی گمارد. مأمون هشام بن ابراهیم راشدی، از نزدیکان امام را نیز به عنوان دربان امام قرار داد تا ملاقات امام را زیر نظر بگیرد و محدود کند و دوستان امام کمتر به او دسترسی پیدا می‌کردند (ابن بابویه، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۵۳)، ولی از طرفی جلسات مناظره علمی را با عالمان فرق و ادیان مختلف با هدف دوسر برد برگزار می‌کرد؛ یا امام می‌توانست به این مخالفان پاسخ دهد که در این صورت برای مأمون انتخاب چنین ولیعهدی افتخار به حساب می‌آمد یا اینکه امام شکست می‌خورد و خود را کنار می‌کشید و خطّ بطلانی می‌شد بر دعوی شیعه به امامت ایشان. از جهتی به این

صورت، علمای دربار و وعاظ هم مشغول امور حاشیه‌ای بحث می‌شدند و از فکر کردن به تصرفات حاکم و دستگاه خلافت دور می‌شدند (حسینی جلالی، فهیمی نژاد، ۱۳۹۲: ۶۳). در نهایت نیز مامون وقتی برخی از اهداف خود را تامین شده یافت و از طرفی کم و بیش اعتماد نسبی بین مردم نسبت به خود ایجاد کرده بود و پایه‌های حکومت خود را محکم کرده بود، و از طرفی چهره امام تخریب نشده بود و هر لحظه مردم بیشتر به او علاقه‌مند می‌شدند و خطر حضورش تهدیدی برای حکومت مامون می‌شد تصمیم به شهادت امام گرفت و از طریق مسموم ساختن ایشان با خوراندن انگور زهرآلود به ایشان، امام را به شهادت رساند (ابن بابویه، ۱۳۸۷، ج ۲: ۳۵۸-۳۵۹).

مطابق آنچه در ادبیات موضوع مشاهده می‌شود اهداف مامون از پیشنهاد ولایت‌عهدی این چنین ذکر شده است: ۱. فرو نشاندن شورش‌های علویان. ۲. گرفتن اعتراف از علویان مبنی بر اینکه حکومت عباسیان حکومتی مشروع است. ۳. کسب اعتماد و دوستی اعراب به خویش. ۴. شروع شدن حکومت خود از طرف اهالی خراسان و تمام ایرانیان. ۵. راضی نگه‌داشتن عباسیان و هواخواهان آن‌ها (انصاری، ۱۳۸۶). ۶. ایجاد ائتلاف بین علویان و ایرانیان در برابر عباسیان و منتقدان احتمالی امین. ۷. ایجاد تشکیک و تفرقه در شیعیان با شکستن عرف مخالفت همیشگی ائمه با دستگاه‌های حکومتی، طغیان و سرکشی گروه‌هایی مثل واقفی‌ها به خاطر پذیرش ولایت‌عهدی خلیفه نامشروع توسط امام شیعیان. ۸. ایجاد وجهه شرعی برای خلافت مامون (حسینی جلالی، فهیمی نژاد، ۱۳۹۲)، احساس ایمنی از خطری که به اعتراف خود مامون از همه محبوب‌تر بود. ۹. تحت کنترل قرار دادن امام و کاهش رابطه وی با دوستانش. ۱۰. جدایی امام از مردم شیعیان. ۱۱. ایجاد پایگاه ملی قدرتمند به خاطر محبوبیت امام رضا (علیه السلام) در میان مردم ایران چه سنی و چه فرق مختلف شیعه. ۱۲. نیاز حکومت به چیزی که سبب خشنودی عموم مردم بشود. ۱۳. نشان دادن حسن نیت در اجرای خیر دنیوی و اخروی مردم و محقق کردن آنچه عباسیان وعده داده بودند. ۱۴. پاک‌سازی گناه برادرکشی و بازسازی اعتماد مردم با اعلان هدف حکومت اهل بیت. ۱۵. اعطای ولیعهدی صرفاً از روی گشاده‌دستی و نبود سهم زیاد برای علویان. ۱۶. پایین آوردن سطح تصورات مردم از حکومت ائمه با به

تصویر کشیدن یک امام ساکت در دربار حکومت. ۱۷. برگرداندن نظر مردم از علویان با تخریب بزرگ‌ترین شخصیت‌شان بدون جریحه‌دار کردن علویان (حسینی عاملی، ۱۳۶۵: ۲۰۳-۲۳۴).

۲-۳. چهار چوب مفهومی پژوهش

اقداماتی که مدیران برای کنترل و حل بحران انجام می‌دهند، مجموعه‌های واحد و بهم‌پیوسته است که می‌تواند در سه دسته اقدامات پیش از بحران، حین بحران و پس از بحران بررسی شود. شرایط ناپایدار و توأم با بی‌اطمینانی ایجاب می‌کند مدیر از این نکته آگاه باشد که هر یک از این اقدامات برای کنترل و مدیریت بحران اهمیت ویژه‌ای دارد و علاوه بر پاسخگویی به تهدیدات از فرصت‌های موجود نیز به‌موقع بهره‌بردار. چنانچه در مدیریت بحران، اقدامات پیش از بحران و حین بحران، به‌طور مطلوب اجرا شود، ولی اقدامات پس از بحران مورد توجه مدیران قرار نگیرد، ممکن است بحران جدیدی شکل بگیرد و از این طریق، سازمان را با بحران‌های جدیدی مواجه کند. همچنین اگر اقدامات پیش از بحران به‌طور جدی مورد توجه و ملاحظه قرار نگیرد و تنها به اقدامات حین بحران و پس از بحران اکتفا شود، ممکن است مدیریت بحران متحمل هزینه‌های زیاد و ناکامی در حل بحران شود (نقی پور فر و ابروش، ۱۳۹۳: ۹۵)؛ بنابراین، در این پژوهش، اقدامات و اتفاقات تحت چتر چنین رویکردی بررسی و مطالعه خواهد شد.

۲-۴. روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ چگونگی گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و از نوع توصیفی تحلیلی است. ابزار گردآوری اطلاعات نیز از طریق بررسی و مطالعه متون و اسناد است. این پژوهش با رویکرد کیفی پدیدارشناسانه و استفاده از روش تحلیل هرمنوتیک در مطالعه متون، سعی در مشخص کردن ابعاد و عوامل مدیریت بحران اقتصادی در دوران امام رضا (علیه السلام) دارد. محقق در رویکرد تحلیل هرمنوتیک، پدیده

مورد مطالعه را با توجه به زمینه پیدایش و وقوع آن بررسی و تحلیل می‌کند و معنابخشی به رفتارها و وقایع با توجه به ظرف زمانی و موضوعی حادثه و نیز زمینه تاریخی مرتبط با حوادث تفسیر می‌شود. این حرکت تفسیر اجزا با توجه به زمینه کلی و از زمینه کلی با توجه به اجزا را چرخه هرمنوتیک می‌گویند (دانایی فرد و همکاران ۱۳۹۸: ۱۳۱). در این مطالعه، گردآوری داده‌ها در چهارچوب حوادث و اقدامات قبل، هنگام و بعد از وقوع بحران انجام می‌گیرد. همچنین در این پژوهش سعی شده است با رویکرد نشانه‌شناسانه و تحلیل مضمون‌ها، تمامی داده‌ها و گزاره‌های معتبری که در تحلیل عوامل مدیریت امام رضا (علیه السلام) در ماجرای ولایت‌عهدی مؤثر بوده است، جمع‌آوری و بحث و بررسی شود.

۲-۵. یافته‌های پژوهش

۲-۵-۱. عوامل مرتبط با مدیریت بحران در سیره امام رضا (علیه السلام) در ماجرای ولایت‌عهدی

پیش از برشمردن عوامل و مولفه‌های تاثیرگذار در بحران مورد مطالعه، شایان ذکر است که موضوع مطالعه این پژوهش مدیریت بحران توسط حضرت امام رضا (علیه السلام) در ماجرای ولایت‌عهدی است. در این بخش عوامل مرتبطی مد نظر است که کلیت اسلام اجتماعی و حاکمیتی را تهدید می‌کند. در واقع برای شخص امام رضا (علیه السلام) به‌عنوان رهبر جامعه اسلامی موضوع شهادت بیشتر یک آرزوست تا یک بحران. به بیان دیگر، موضوع این بحران، به‌عنوان بحرانی که از زاویه دید مدیریتی امام رضا (علیه السلام) بررسی شده، زندگی یا شهادت امام نیست، بلکه زندگی یا مرگ سیاسی اسلام است. بنا بر آنچه گفته شد، به‌طور خلاصه می‌توان مولفه‌های دخیل در بحران مد نظر را در دو دسته زمینه‌ای و حکومتی طبقه‌بندی کرد. در این میان، مولفه‌هایی هستند که مثبت می‌نمایند و می‌توانند برای امام به‌عنوان فرصت قابل بهره‌برداری باشد. هرچند از دلایل، عوامل یا اقدامات مامون در شکل‌گیری فتنه پیشنهاد ولایت‌عهدی است.

جدول (۱) مولفه‌های مستقیم و غیر مستقیم مرتبط با مدیریت بحران در سیره امام رضا (علیه السلام) در ماجرای ولایت‌عهدی

ردیف	مولفه‌های دخیل در بحران	زمینه‌ای	حکومتی	فرصت	تهدید
۱	موقعیت متزلزل مامون هم در میان علویان و هم عباسیان	*		*	
۲	شکل گرفتن گروه واقفیه از شیعیان که امامت امام رضا (علیه السلام) را نپذیرفتند	*			*
۳	بی اعتمادی مردم به مامون پس از قتل برادرش امین	*		*	
۴	قیام علویان و اغتشاش در شهرهای اسلامی	*		*	
۴	علاقه مردم ایران به علویان و احتمال همراهی آن‌ها در قیام	*		*	
۵	نارضایتی مردم از عباسیان به علت تحقق نیافتن وعده‌هایشان درباره اهل بیت	*		*	
۶	ضدشیعی بودن حکومت‌های بغداد، حجاز، یمن، مصر، سوریه	*			*
۷	زیرکی بالای رفتاری مامون	*			*
۸	رفتار نفاق‌گونه مامون در ابراز تمایلات شیعی	*			*
۹	شروع خشکسالی در سرزمین‌های تحت حکومت مامون	*			*
۱۰	پیشنهاد ولایت‌عهدی در عین حدود ۲۰ سال جوان‌تر بودن از امام		*	*	
۱۱	انتخاب مسیر غیرشیعی از مدینه تا مرو		*		*
۱۲	در عمل انجام‌شده قرار دادن امام، در مرو برای پیشگیری از اقدام امام و طرفداران		*		*

*		*		تهدید امام برای پذیرش ولایت عهدی	۱۳
*	*	*		انتصاب لقب رضا برای جلب خشنودی ایرانیان	۱۴
*	*	*		حکم پوشانیدن لباس سبز به مردم برای جلب خشنودی علویان	۱۵
*		*		دریافت تایید علویان بر حکومت خویش	۱۶
*		*		جلب رضایت اعراب با وارد کردن مردی بزرگ از بنی‌هاشم در حکومت خراسان	۱۷
*		*		ایجاد تشکیک بین شیعیان	۱۸
*		*		بازسازی اعتماد از دست رفته به خاطر برادرکشی و ساخت چهره‌ای خیرخواه و شیعی از خود	۱۹
*		*		ایجاد ائتلاف و بازسازی پایه‌های مردمی در برابر عباسیان	۲۰
*		*		ساخت چهره‌ای خیرخواه و شیعی از خود	۲۱
*		*		پایین آوردن سطح تصورات مردم از حکومت ائمه و تخریب علویان	۲۲
*	*	*		ایجاد فضای باز فکری و برگزاری جلسات مناظره برای حمله دو سر برد افکار مختلف به تفکر شیعی	۲۳

۲-۵-۲. سیره امام رضا (علیه السلام) در مدیریت بحران

زمانی که فرستاده‌ای به مدینه آمد تا امام رضا (علیه السلام) را به خراسان ببرد، امام برای وداع از رسول خدا چندین مرتبه وارد حرم می‌شد، از حرم بیرون می‌آمد و دوباره کنار حرم پیغمبر می‌رفت و بلند گریه می‌کرد. وقتی اطرافیان علت را جویا شدند، حضرت پاسخ دادند من از جوار جدم بیرون رفته، در غربت از دنیا خواهم رفت. سپس موقعی که می‌خواستند ایشان را از مدینه ببرند، افراد خانواده را جمع کرد و دستور داد برایش گریه کنند تا گریه

آن‌ها را بشنود. بعد از آن در میان آن‌ها ۱۲ هزار دینار تقسیم کرد و فرمود دیگر به سوی شما باز نخواهم گشت (ابن بابویه، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۱۸).

همچنین در حالی که سفر کوتاه نبود، امام کسی از خانواده اش، حتی فرزندش امام جواد (علیه السلام) را با خود به مرو نبرد در حالی که مأمون به امام گفته بود هر کس از خانواده اش را که می خواهد با خود همراه کند. این نشان می دهد امام از ابتدا قصد پذیرش حکومت نداشته و از شهادتش اطلاع داشته است (انصاری، ۱۳۸۶: ۸) چنین برخوردهایی و تعیین فرزندش محمد (علیه السلام) به عنوان امام بعد از خود و فرمان بر اطاعت از او برای متوجه ساختن مردم به ویژه شیعیان را که در ارتباط مستقیم با امام بودند، از اجبار ایشان در پذیرش حکومت بود.

چنان که بیان شد امام را از مسیر و شهرهایی به مرو بردند تا کمترین برخورد را با مردم و شیعیان داشته باشند، اما از آغاز حرکت، ایشان راه ارتباطی خود را چهره به چهره و زبانی انتخاب کردند و در هر منطقه و هر شهر با زبان مردم همان دیار سخن گفتند. مطابق نقل، ایشان به زبان های سندی، هندی، مغولی و فارسی با مردم مناطق مختلف صحبت کردند (یوسفی و خانمحمدی، ۱۳۹۳: ۱۰۵). ایشان هم در اهواز و هم در بصره خود را در معرض محبت دل ها قرار داد. حتی آن‌ها که در معرض دل‌هایی که نامهربان بودند. در نیشابور با اکثریت اهل تسنن نیز حدیث مشهور سلسله الذهب را برای همیشه به یادگار گذاشت. در مرو هم که مقصد سفر و محل استقرار دستگاه خلافت بود، در هر فرصتی حصار حکومت را برای حضور در انبوه جمعیت مردم می شکافت (روحانی، ۱۳۸۵: ۷۸). همچنین کرامات زیادی را به مردم نشان می داد تا نشانی باشد بر حقانیتش در میان دل‌هایی که تشنه دریافت حقیقت بودند. مهم‌ترین و مستندترین حادثه در طول مسیر، در نیشابور اتفاق افتاد که امام رضا (علیه السلام) در آنجا حدیث روشنگر و محکم معروف به سلسله الذهب را ایراد کرد. حدیثی که از جهتی رد شیعیان منحرف شده و غیردوازده امامی به خصوص واقفیه‌ها بوده (فضل الله، ۱۳۷۷: ۱۳۳) و از جهتی امام از طریق نقل یک حدیث قدسی با سلسله راویان متنقن در میان اهل تسنن توحید را به پذیرش امامت اهل بیت گره می زند تا از فرصت تبلیغ در میان اهل تسنن محب اهل بیت استفاده حداکثری کرده باشد.

در بخش اقدامات حکومتی، شیوهٔ اصرار بر ولایت‌عهدی همراه با تهدید توسط مامون مرور و بیان شد امام با شرایطی ولایت‌عهدی را پذیرفت. این شرط‌ها یکی دخالت نکردن در رتق و فتق امور، یکسان نگرفتن نقش‌های مفتی و قاضی و دیگری دخالت نکردن در عزل و نصب یا ایجاد هرگونه تغییری بود که مأمون همه این شرایط را پذیرفت (انصاری، ۱۳۸۶: ۸). این قدر شروط امام می‌تواند همه امور حکومتی را در بر بگیرد که واضح است می‌خواست مسئولیت کارهای مامون را نپذیرد و حتی به صورت آشکار نقش مخالفت و جدایی از حکومت و عدم همکاری را بگیرد (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۹۲-۱۹۵)، زیرا امام پیش از آن عنوان ولایت‌عهدی از طرف مامون را هم عنوانی غلط دانست؛ آنجا که حضرت در جواب اصرار مامون فرمود: اگر این خلافت مال توست، جایز نیست خودت را خلع کنی و لباسی را که خدا به تو پوشانده به دیگری بدهی و اگر خلافت مال تو نیست، چیزی که مال تو نیست، جایز نیست آن را به من بدهی (قریشی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۴۵۲).

در روز انتصاب امام به ولایت‌عهدی، امام خطبه‌ای عجیب و با معنای تند و روشن می‌خواند. در این خطبه نه یادی از مأمون می‌کند و نه کوچک‌ترین تشکری از او و دستگاه حکومتش. در حالی که مامون انتظار داشت حضرت در آنجا تایید و تشکری از او و خلافتش بکند، حضرت در یک یا دو خط خطبه با این مضمون که: ما حقّی داریم بر شما مردم داریم که ولیّ امر شما باشیم و شما نیز متقابلاً حقّی دارید به عنوان مردمی که خلیفه باید آن‌ها را اداره کند. شما مردم باید حقّ ما را به ما بدهید و اگر شما حقّ ما را به ما بدهید، ما هم در مقابل شما وظیفه‌ای داریم که باید انجام دهیم و وظیفه خودمان را انجام می‌دهیم. والسلام! یعنی در واقع این حقّ اصلاً مال امام است نه اینکه مامون بخواهد به امام واگذار کند (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۹۲-۱۹۵) و این حق که از آن امام است در حقیقت در دست مردم است و نه مامون که در دو جملهٔ بسیار حرف و تفسیر وجود دارد.

علاوه بر این، حضرت رضا (علیه السلام) در جاهای مختلف به جبر در پذیرش ولایت‌عهدی را به دوستان خود متذکر شده‌اند. ایشان به یکی از خواص که از ولایت‌عهدی امام خوشحال بود، فرمود: «خوشحال نباش، این کار به انجام نخواهد رسید و به این حال نخواهد ماند» (انصاری، ۱۳۸۶: ۸). آن حضرت روزی پس از خروج از مسجد در حالت

دعا گفت: پروردگارا! اگر فرج من از این گرفتاری که بدان دچار شده ام مرگ من است، همین ساعت آن را برسان (همان: ۸) برای عده ای نیز که به خاطر تن دادن امام به اصرار مامون دچار تشکیک شده بودند، با این مضمون که چرا مثل جدش حسین شهادت را به جان خریدی، توجیه منطقی و تاریخی آوردند. به طور مثال، در جواب یکی از شیعیان که دچار تردید شده بود فرمود: «خدا گواه است که این کار خوشایند من نبود، اما میان پذیرش ولیعهدی و کشته شدن قرار گرفتم و به ناچار پذیرفتم» (انصاری، ۱۳۸۶: ۹)؛ «آیا پیغمبران شأن شان بالاتر است یا اوصیای پیغمبران؟ گفتند: پیغمبران. فرمود: یک پادشاه مشرک بدتر است یا یک پادشاه مسلمان فاسق؟ گفتند: پادشاه مشرک. فرمود: آن کسی که همکاری را با تقاضا بکند، بالاتر است یا کسی که به زور به او تحمیل کند؟ گفتند: آن کسی که با تقاضا بکند. فرمود: یوسف صدیق پیغمبر است، عزیز مصر کافر و مشرک بود و یوسف خودش تقاضا کرد چون می خواست پستی را اشغال کند که از آن پست حسن استفاده کند، تازه عزیز مصر کافر بود، مأمون مسلمان فاسقی است؛ یوسف پیغمبر بود، من وصی پیغمبر هستم؛ او پیشنهاد کرد و مرا مجبور کردند (مطهری، ۱۳۸۴: ۲۰۶-۲۰۷). به خدای متعال شکایت می کنم و از او یاری می جویم (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۰).

علاوه بر اقداماتی که در رابطه مستقیم با ماجرای ولایت عهدی و مقابله با فتنه شکل گرفته توسط مامون بود، حضرت امام رضا (علیه السلام) از روزه های به وجود آمده در این تهدید، فرصت ساخته اند. امام چنان که گفته شد از ارتباط با عموم مردم منع می شد، اما شرایط عمومی طوری پیش رفت که مامون ناچار شد اقامه نماز عید را از حضرت تقاضا کند. امام به خاطر مخالفت با این کار، شروط و عهد و پیمان ولایت عهدی را نپذیرفت، ولی مامون استیصال خود را نمایان کرد و گفت: انجام ندادن هیچ گونه کار حکومتی و قضاوتی و شریعتی اجتماعی موجب شده مردم حرف هایی درباره حکومت بزنند. فلذا چون لازم است امر ولایت عهدی شما در قلبها تثبیت شود، باید قبول کنید. حضرت نماز را پذیرفت، ولی به شیوه جدش رسول الله ﷺ و حضرت علی (علیه السلام)، صبح روز عید امام و خدمتگزارانش با پای برهنه و لباس سفید از خانه خارج شدند و هر چند قدم خود تکبیر می گفتند. مردم رفته رفته با پای برهنه به امام ملحق می شدند و فضای شهر

تکبیر و اشک و اشتیاق شد. جاسوسان مامون خیلی زود مامون را از آنچه دارد رخ می‌دهد، ترساندند و در نتیجه، مامون به بهانه‌ی به زحمت نیفتادن حضرت رضا (علیه السلام) ایشان را از مسیر نماز بازگرداند (ابن بابویه، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۴۹-۱۵۱).

همچنین از این قبیل حوادث یا اقدامات می‌توان به دعای باران مستجاب حضرت اشاره کرد. گستردگی خشکسالی در آن دوران موجب پیدایش باور منفی به حضور امام در برخی افراد در سرزمین مرو شده بود. مامون که به نظر می‌رسد فرصت را مناسب یافته بود، از امام خواست برای مردم نماز و دعای باران بخواند. با این فکر که هر لحظه ادامه‌ی خشکسالی پس از نماز باران امام رضا (علیه السلام) تحقیر امام شیعیان را به دنبال خواهد داشت. اما به این شکل پیش نرفت و حضرت امام رضا (علیه السلام) در امامت جمع زیادی از مردم در بیابان از خدا خواست پس از بازگشت مردم به منازلشان بارانی بیارد که ویرانی نیز به بار نیآورد. استجابت چنین دعایی با این جزئیات قطعاً نه تنها برنامه مامون را خراب می‌کرد که موج عظیمی از علاقه به امام شیعیان را به دنبال می‌آورد. پس دعای حضرت مستجاب و بارش باران این چنین نیز کرد (ابن بابویه، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۷۹-۱۸۳).

حضرت امام رضا (علیه السلام) در ماجرای مناظرات برگزار شده توسط مامون نیز از این فرصت به بهترین نحو استفاده کرد. بر اساس اسناد موجود از مناظره‌ها و مباحثه‌های امام، ایشان معجزات علمی و بلاغی و منطقی خویش را نمایان و دانشمندان را متحیر و مبهور کرد؛ بنابراین برنامه مامون را به سمتی برد که برای مامون مطلوبیت کمتری داشت؛ یعنی پیروزی امام و فقط افتخار مامون به ولیعهدی دانشمند؛ اما احتمالاً برتری و حقانیت امام برای منصب امامت و خلافت چیزی بود که بسیاری از چهره‌های علمی و دینی جامعه آن را نتیجه این مناظرات دانستند. به خصوص اینکه امام در مباحثه با ادیان غیراسلامی و مناظره با اهل کتاب از خود توانایی بزرگ و شاهکار گونه‌ای نشان داد، چراکه با اهل تورات به تورات، با اهل انجیل به انجیل و با هر دین و کتابی به زبان و کتاب خودش احتجاج کرد (حسینی جلالی، فهیمی نژاد، ۱۳۹۲: ۸۲).

در مدیریت بحران فرایند بلندمدت ارتباطات در میان تمام افراد درگیر در بحران الزامی

است. به نحوی که می‌تواند بیش از هر عاملی بر روند بحران و مدیریت آن تأثیر بگذارد. مطالعه بحران‌های مقطعی نشان‌دهنده تأثیر مهم انتقال اطلاعات از طریق ابزارهای ارتباطی در مدیریت بحران‌هاست. جمع‌آوری واقعیات و بیان موضوع از اهداف اصلی در ارتباطات بحران محسوب می‌شود (نقی پور فر و ابروش، ۱۳۹۳: ۹۵) چنان‌که بررسی شد، ارتباطات حضرت امام رضا (علیه السلام) در دربار مامون به علما و افراد دربار و ارتباطات کنترل شده محدود بوده است، اما هر وقت امام فرصتی برای ایجاد ارتباط عمومی با مردم به دست می‌آورد از آن نهایت استفاده را می‌برد. همچنین امام از ابتدای شروع سفر تا گاه شهادت هم از حیث گرفتن اطلاعات و هم از حیث روشننگری و دادن بینش و اطلاع از آینده بیشتر و برنده‌تر از حدود تعیین شده توسط دربار عمل کرد. از اقدامات قبل از سفر و آگاه‌سازی مردم گرفته تا خطبه کوتاهش در روز انتصاب به ولایت عهدی و روشننگری‌هایش درباره پذیرش ولایت عهدی و حتی آگاه کردن اباصلت از نحوه شهادت خود و از کسب شناخت از مردم مسیر سفر تا مردم مرو و مامون و فضل بن سهل همه و همه موید این موضوع است.

اگرچه باور برخی بر دوستی واقعی مامون باقی بود و مرگ امام را به مرگ طبیعی برداشت کردند (انصاری، ۱۳۸۶: ۸) اما امام برای روشننگری بیشتر دوستان خود را از نحوه شهادت خود و حتی از وقایع بعد از شهادت و دفن خود نیز آگاه کردند (ابن بابویه، ۱۳۸۷، ج ۲: ۳۵۸-۳۵۹). اگرچه در حوصله و حیطة مستقیم موضوع نمی‌گنجد، اما مسئله امامت پس از حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) نیز پیچیدگی‌هایی داشته است. امامی که واقفیه امامتش را نپذیرفته و در آن شبهه ایجاد می‌کردند و وجود مبارک فرزند خردسالش نیز به بهانه شباهت نداشتن با امام رضا (علیه السلام) تشکیکات را پیچیده‌تر می‌کرد، لازم بود برای دوران پس از بحران و بعد از شهادت خود و به‌منظور جلوگیری از افتراق بین شیعیان مسئله امامت پس از خود تمهیداتی ببیند. ضمن اینکه ضرورت حفظ محرمانگی و مسائل امنیتی و لزوم توجه به تهدیدات جانی متوجه حضرت جواد، در صورت علنی شدن مسئله نیز باید در نظر گرفته می‌شد. امام رضا (علیه السلام) هم هنگام تولد فرزندش، جواد او را مبارک‌ترین مولود شیعه معرفی می‌کند و هم در جواب ابهام در سن پایین حضرت

جواد برای امامت، از خردسالی عیسی بن مریم و کودکی سلیمان پسر داود می گوید و هم در جواب صفوان بن یحیی، حضرت جواد را با اشاره دست به عنوان جانشین پس از خود معرفی می کند (عمادزاده، ۱۳۴۱: ۸۶-۹۱).

جدول (۲) اقدامات اساسی امام رضا (علیه السلام) در مدیریت بحران ماجرای ولایت عهدی

پس از بحران	حین بحران	پیش از بحران		اقدامات حضرت رضا (علیه السلام) درباره بحران ولایت عهدی
		آمادگی	پیشگیری	
		*		وداع و آگاه کردن اطرافیان از اجبار در پذیرش سفر و بی بازگشت بودن سفر
		*		ایجاد ارتباط تبلیغی اثربخش با مردم شهرهای مسیر
		*	*	گذاشتن شروطی در مفهوم عدم تایید قدرت و حکومت مامون
			*	استدلال در برابر مامون بر حقانیت امام در حکومت
*	*			ایراد خطبه درباره حقانیت امام بر حکومت
*	*			استدلال و روشنگری درباره جبر در پذیرش ولایت عهدی
*	*			استدلال و روشنگری در مورد چرایی پذیرش ولایت عهدی
*	*			ایراز کراهت و ناراحتی از پذیرش ولایت عهدی
	*			استفاده از فرصت های ایجاد ارتباط عمومی (گسترده) (نماز عید و دعای باران
	*			نفوذ در قلوب و باورهای حق پذیر با دعای باران مستجاب

*	*			پیش بردن منطق و بحث اسلام شیعی با فرصت طلبی از مناظرات
*	*			شهادت روشنگرانه و خبر دادن پیش از شهادت
*				معرفی محکم و مستدل محمد بن علی الجواد (علیه السلام) به عنوان امام پس از خود

۳. نتیجه گیری

متون متعددی به صورت توصیفی یا تحلیلی یا توصیفی تحلیلی روایات متنوعی را از ماجرای ولایت عهدی امام رضا (علیه السلام) ارائه کرده اند. در بعضی متون، شرایط امام بسیار خوب توصیف شده به این معنا که دوستی مامون و وزیرش فضل بن سهل با امام رضا (علیه السلام) مد نظر بوده و شهادت امام رد شد است، اما آنچه مورد اشاره اکثریت است و شواهدی از قبیل وداع، اکراه در پذیرش، پیشگویی درباره شهادت، شهادت فرزندش امام جواد (علیه السلام) توسط مامون و دخترش نشان دهنده عدم تایید نقل قول های متناقض است. این تحریفات تاریخی بیانگر وقوع یک بحران سیاسی و اجتماعی در سه سال آخر دوران مبارک امامت حضرت رضا (علیه السلام) است. مولفه های اصلی این بحران مطالعه و در دو دسته: ۱. زمینه ای و ۲. حکومتی تفکیک و بررسی شد. برخی از این عوامل در قالب تهدید پاسخ داده و برخی در قالب فرصت استفاده شد.

اقدامات اصلی و سیره امام رضا (علیه السلام) در مدیریت بحران ماجرای ولایت عهدی در چهار دسته: ۱. پیش گیری، ۲. آمادگی، ۳. حین بحران و ۴. پس از بحران بیان می شود. این چهار دسته که در نحوه مدیریت و سیره امام علاوه بر آموزشی بودن نتایج بسیار مهم و اثربخشی دارد، عبارت است از تبیین لایه های متعدد مدیریتی امام رضا (علیه السلام) به عنوان یک انسان الهی و کامل. از این موارد که باعث کنترل و مدیریت بحران شده و بیشتر جنبه آگاهی بخشی و روشنگری مردم و زمان های متعدد دیگر خواهد داشت، می توان

به این موارد به عنوان مدیریت بحران و سیره امام معصوم (علیه السلام) اشاره کرد: وداع و روشنگری درباره اجبار و اکراه و بی بازگشت بودن سفر، ایجاد ارتباط تبلیغی اثربخش در شهرهای مسیر، گذاشتن شرطهایی که بیان کننده مفهوم عدم پذیرش ولایت عهدی، استدلال بر حقانیت امام در حکومت، ایراد خطبه درباره حقانیت امام بر حکومت، استدلال درباره جبر در پذیرش ولایت عهدی، روشنگری در چرایی پذیرش ولایت عهدی، ابراز کراهت و ناراحتی از طرح مامون، استفاده مناسب از فرصت‌های ایجاد ارتباط عمومی، نفوذ در قلوب و باورهای حق پذیر با دعای باران، پیش بردن منطق و بحث اسلام شیعی با فرصت طلبی از مناظرات، شهادت روشنگرانه و خبر دادن به اطرافیان پیش از شهادت مواردی است که امام با درایت و تدبیر توانست بر بحران غلبه کند و به مدیریت بحران بپردازد و به نتایجی که به خواست خداوند می خواست به آنها برسد و برای مردم و دوستداران و پیروان خود روشنگری کند.

منابع و مآخذ

- ابراهیمی، زهرا؛ میرحسینی، یحیی؛ زارعی محمودآبادی، محمد. (۱۴۰۰). «اصول مدیریتی ابناء الرضا (علیهم السلام) در بحران حذف فیزیکی شیعیان». دو فصلنامه کتاب قیم. سال ۱۱. شماره ۲۵. صص: ۲۳۳-۲۵۲.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۷). *عیون اخبار الرضا (علیه السلام)*. ترجمه محمدتقی آقا نجفی اصفهانی. قم: پیام علمدار.
- انصاری، علیرضا. (۱۳۸۶). «نقش ولایت عهدی امام رضا (علیه السلام) در یک نگاه». *فصلنامه معارف اسلامی*. ۲۶ (۷۰). صص: ۸-۱۴.
- مهدی پیشوایی. (۱۳۹۰). *سیره پیشوایان: نگرشی بر زندگانی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی امامان معصوم (علیهم السلام)*. قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام).
- حسینی جلالی، سیدمحمد رضا؛ فهیمی نژاد، فهیمه. (۱۳۹۲). «بررسی و تحلیل ولایت عهدی در سیره امام رضا (علیه السلام)». *فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه*. ویژه نامه پژوهش های رضوی. ۱۰ (۳۹). صص: ۶۳-۸۲.
- حسینی عاملی، سید جعفر مرتضی. (۱۳۶۵). *زندگی سیاسی هشتمین امام*. ترجمه دفتر انتشارات اسلامی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- دانایی فرد، حسن؛ الوانی، سیدمهدی؛ آذر، عادل. (۱۳۹۸). *روش شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع*. تهران: انتشارات اشراقی صفار.
- دشتی، محمد. (۱۳۸۰). «مدیریت بحران در حکومت امام علی (علیه السلام)». *فصلنامه دانش انتظامی*. شماره ۸. صص: ۳۸-۵۳.
- روحانی، سید سعید. (۱۳۸۵). «ولایت عهدی امام رضا (علیه السلام) از دیدگاه شهید مطهری». *نشریه فرهنگ کوثر*. شماره ۶۷. صص: ۷۸-۱۰۰.
- ستوده نیا، محمدرضا؛ جانی پور، محمد. (۱۳۹۱). «الگوی مدیریت بحران های سیاسی اجتماعی از منظر امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)». *پژوهشنامه علوی*. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ۳ (۲). صص: ۲۷-۵۲.
- سوری، علیرضا. (۱۳۹۴). «اصول، مبانی و رویکردهای مدیریت بحران (با تأکید بر بحران های اجتماعی)». *فصلنامه مدیریت بحران*. ۷ (۲۴). صص: ۹۸-۱۳۹.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۳). *اعلام الوری باعلام الهدی*. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث.
- علمداری، شهرام. (۱۳۸۷). «مدیریت جامع بحران دکتربین، سیاست ها و راهبردها». *ماهنامه ایمن راهبر*. شماره اول. صص: ۱۰-۲۲.
- عمادزاده، حسین. (۱۳۴۱). *زندگانی حضرت امام محمدتقی جواد (علیه السلام)*. تهران: شرکت سهامی طبع کتاب.
- فضل الله، محمدجواد. (۱۳۷۷). *تحلیلی از زندگانی امام رضا (علیه السلام)*. ترجمه محمدصادق عارف. چاپ چهارم. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- قائدی، محمدرضا. (۱۳۸۲). «مؤلفه های نظری بحران». *فصلنامه راهبر*. شماره ۲۹. صص: ۳۱۷-۳۳۳.
- قریشی، باقر شریف. (۱۳۸۲). *پژوهشی دقیق در زندگی علی بن موسی الرضا (علیه السلام)*. ترجمه سید محمد صالحی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۹۱). *اصول کافی: مجموعه احادیث برگزیده*. ترجمه داود روحانی معین. چاپ پنجم. قم: بهار دلها.
- کارگروه بنیادین مدیریت اسلامی. (۱۳۹۵). *پیش نویس نقشه جامع مدیریت اسلامی (نجما)*. قم: انتشارات دانشگاه قم.

- مطهری، سید مرتضی. (۱۳۸۴). سیری در سیره ائمه اطهار (علیهم السلام)، تهران: انتشارات صدرا.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۹۶ق). بحار الانوار. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نقی پورفر، ولی الله؛ ابروش، رضا. (۱۳۹۳). «بررسی مدیریت بحران جمل در سیره امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)». حکومت اسلامی. ۱۹(۷۲). صص: ۹۵-۱۲۲.
- نقی پورفر، ولی الله؛ علی زاده، محمد؛ یآوری سرتختی، محمدجواد. (۱۳۹۶). «نقش حضرت زینب (علیها السلام) در مدیریت بحران سیاسی - مذهبی دوران اسارت». فصلنامه زن و فرهنگ. شماره ۳۱. صص: ۴۵-۵۶.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق (بی تا). تاریخ الیعقوبی. بیروت: دار صادر.
- یوسفی، محدثه؛ خانمحمدی، کریم. (۱۳۹۳). «سیره ارتباطی امام رضا (علیه السلام) از مدینه تا مرو». فرهنگ رضوی. شماره ۸. صص: ۱۰۵-۱۳۶.

منابع لاتین

- Ashcroft, Linda S. (1997). «Crisis management - public relations». *Journal of Managerial Psychology*. Vol. 12 Issue: 5. pp 332-325.
- Bundy, J.; Pfarrer, M. D.; Short, C. E.; Coombs, W. T. (2016). «Crises and crisis management: Integration, interpretation, and research development». *Journal of Management*. Volume: 43 issue: 6, page(s): 1692-1661
- Chase, W. H. (1984) *Issue Management - Origins of the Future*. Stamford. CT: Issue Action Publications
- Cutlip, S.M., Center, A.H. and Broom, G.M. (2006), *Effective Public Relations*. 9th ed. Pearson Education International. NJ: Upper Saddle River.
- Darling, J.R. (1994). «Crisis management in international business: key to effective decision-making». *Leadership & Organization Development Journal*. Vol. 15 No. 8. pp. 8-3
- Fink Steven. (1986). *Crisis Management: Planning for the Inevitable*. New York: American Management Association
- Gregory, A. (2005) «Communication Dimensions of the UK Foot and Mouth Disease Crisis 2001». *Journal of Public Affairs* 328-312 .5
- Harrison, S. (1999) *Disasters and the Media: Managing Crisis Communication*. Basingstoke: Macmillan.
- James, E. (2007). *Leadership as (Un)usual: How to Display Competence In Times of Crisis* (PDF). Leadership Preview. Archived from the original (PDF) on 05-07-2010. Retrieved 22-06-2010.
- Jaques, Tony. (2007). *Issue Management and Crisis Management: An Integrated, Non-linear, Relational Construct*. Public Relations Review. 2007. (2)33. pp 157-147

- Littlejohn, R. F. (1983) *Crisis Management: A Team Approach*. New York: AMA Management Briefing.
- McMullan, C.K. (1997), «Crisis: when does a molehill become a mountain». *Disaster Prevention and Management*, vol. 6 No. 1. pp. 10-4
- Paraskevas, A. (2006), «Crisis management or crisis response system? A complexity science approach to organizational crises». *Management Decision*. Vol. 44 No. 7. pp. 907-892.
- Pearson, C. M. & Clair, J. A. (1998). «Reframing Crisis Management». *Academy of Management Review* 76-59 (1) 32.
- Penrose, J. (2000). «The Role of Perception in Crisis Planning». *Public Relations Review* 171-155 (2) 26.
- Regester, M. & Larkin, J. (2002). *Risk Issues and Crisis Management – A Casebook of Best Practice*. (2nd Edtn) London: Kogan Page
- Seeger, M. W.; Sellnow, T. L.; Ulmer, R. R. (1998). «Communication, organization and crisis». *Communication Yearbook*. 275–231 :21.
- Shrivastava, P. (1992), *Bhopal, Anatomy of a Crisis*, 2nd I ed. Paul Chapman Publishing. London.
- Turner, B.A. and Pedgeon, N.F. (1997). *Man-Made Disasters*. 2nd ed.. Butterworth-Heinemann. London, Oxford UNEP-APELL "Disasters database available at:
- <http://www.unepie.org/polapell/disasters/lists/disasterdate.html>
- Venette, S. J. (2003). *Risk communication in a High Reliability Organization: APHIS PPQ's inclusion of risk in decision making*. Unpublished doctoral dissertation. North Dakota State University. Fargo. ND.